



Economic Policymaking Based on the Negation of the Mustache Rule in Confronting America's Counterterrorism Policy

Sahar Khaki Najafabadi¹, MohammadAli Shahriari^{2*}, Shohreh Jalalpour³

1. PhD Student in International Relations, Shahreza Branch, Islamic Azad University, Shahreza, Iran.

2. Assistant Professor, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Political Science, Shahreza Branch, Islamic Azad University, Shahreza, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages:1-16

Article history:

Received: 23 Feb 2024

Edition: 03 Apr 2024

Accepted: 25 May 2024

Published online: 25 Mar 2025

Keywords:

Economic Policymaking, Negation of the Mustache, West Asia, Fight Against Terrorism, America.

Corresponding Author:

MohammadAli Shahriari

Address:

Iran, Bushehr, Islamic Azad University, Bushehr Branch, Department of Political Science.

Orchid Code:

0009-0004-4740-8385

Tel:

087-33664600

Email:

MA.Shahriari@iau.ac.ir

ABSTRACT

Background and purpose: The economic policymaking of Islamic countries has not been able to be pursued independently so far, which has been a factor in the presence of the United States in the region with the aim of gaining economic benefits by using tools such as fighting terrorism. The present study seeks to examine the approach to economic policymaking among Islamic countries with regard to the rule of negation of the mustache.

Materials and Methods: This article uses an analytical and descriptive method and is a library research tool.

Ethical Considerations: In writing this article, documented referencing and trustworthiness have been the basis.

Findings: The fight against terrorism has been a tool for pursuing American interests in West Asia, which aims to create economic interdependence among Islamic countries, destroy their independence, and consolidate their position in the global system through economic and political mechanisms.

Conclusion: Economic policymaking is based on the jurisprudential rule of negating the mustache in the form of creating a mechanism to de-dollarize the economic and financial sphere of Islamic countries, trying to find an alternative currency, using barter and becoming active players to take over the determination of energy prices and using the tools of the political economy of Islamic countries. Reducing and overcoming the economic hegemony of the United States means realizing the injunctions of Sharia in the economic policymaking sphere of Islamic countries.

Cite this article as:

Khaki Najafabadi, S, Shahriari M-A, Jalalpour sh. *Economic Policymaking Based on the Negation of the Mustache Rule in Confronting America's Counterterrorism Policy*. Economic Jurisprudence Studies. 2024.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره هفتم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

سیاستگذاری اقتصادی مبتنی بر قاعده نفی سبیل در مقابله با سیاست مبارزه با تروریسم آمریکا

سحر خاکی نجف‌آبادی^۱، محمدعلی شهریاری^{۲*}، شهره جلال‌پور^۳

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران.

۲. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.

۳. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: سیاستگذاری اقتصادی کشورهای اسلامی تاکنون نتوانسته به صورت مستقل دنبال شود که همین عاملی برای حضور آمریکا در منطقه با هدف کسب منافع اقتصادی با استفاده از ابزارهایی نظیر مبارزه با تروریسم بوده است. پژوهش حاضر درصدد است تا رویکرد سیاستگذاری اقتصادی در میان کشورهای اسلامی را با عنایت به قاعده نفی سبیل بررسی نماید.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر از روش تحلیلی و توصیفی بهره برده و ابزار انجام پژوهش کتابخانه‌ای است.

ملاحظات اخلاقی: در نگارش مقاله حاضر، ارجاع‌دهی مستند و امانتداری مبنا قرار گرفته است.

یافته‌ها: مبارزه با تروریسم ابزاری برای پیگیری منافع آمریکا در غرب آسیا بوده که با ایجاد وابستگی متقابل اقتصادی میان کشورهای اسلامی، از بین بردن استقلال آنها و تثبیت جایگاه خود در نظام جهانی با سازوکاری اقتصادی و سیاسی است.

نتیجه: سیاستگذاری اقتصادی مبتنی بر قاعده فقهی نفی سبیل در قالب ایجاد سازوکاری برای دلارزدایی از ساحت اقتصادی و مالی کشورهای اسلامی، کوشش برای یافتن یک ارز جایگزین، استفاده از تهاتر و تبدیل شدن به باز یگرانی کنشگر برای بدست گرفتن تعیین قیمت انرژی و استفاده از ابزار اقتصاد سیاسی کشورهای اسلامی است. کاهش دادن و غلبه بر هژمونی اقتصادی آمریکا به به معنای تحقق احکام شریعت در عرصه سیاستگذاری اقتصادی کشورهای اسلامی است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱-۱۶

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۴

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۰۵

واژگان کلیدی:

سیاستگذاری اقتصادی، نفی سبیل، غرب آسیا، مبارزه با تروریسم، آمریکا.

نویسنده مسئول:

محمدعلی شهریاری

آدرس پستی:

ایران، بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بوشهر، گروه علوم سیاسی.

تلفن:

087-33664600

کد ارکید:

0009-0004-4740-8385

پست الکترونیک:

MA.Shahriari@iau.ac.ir

۱. مقدمه

جوامع اسلامی علیرغم اختلافات سیاسی، مذهبی و منافع متضاد ناشی از تشکیل دولت-ملت در عصر حاضر، همچنان آرمان‌ها و هنجارهای مشترکی دارند که با تکیه بر قواعد شریعت می‌توان اصولی را برای اداره جامعه در عرصه امور داخلی و خارجی آنان فراهم آورد. از جمله اینکه دین اسلام همواره آنان را به مرزبندی با مستکبران و ستمگران دعوت نموده و خواستار حفظ عزت و کرامت آنان است. همچنان که در عرصه حکومت‌داری نیز بر دفاع از مظلومان و ستمدیدگان تأکید کرده و خواستار یک نظام مبتنی بر آزادی، کرامت و عدالت شده که خود راهنمایی برای حکومت‌داری نیز محسوب می‌شود. از طرفی دیگر، امروزه دنیای سیاست و اقتصاد به هم تنیده شده و نمی‌توان اقتصاد سیاسی را نادیده گرفت، به این دلیل که در عصر جهانی شدن و تعاملات ناشی از همکاری‌های اقتصادی و سیاسی به دشواری می‌توان منافع کشورها را محصور به مرزها نمود. اما در این میان کشورهایی که دارای باور، هنجار و ارزشهای مشترکی نظیر جوامع اسلامی در منطقه غرب آسیا هستند، همواره دارای منافع و منابع مشترک و اثرگذار، دین و باورهای مذهبی مشترک، پیوندهای تاریخی و هویتی و همچنین تهدیدات و آینده مشترکی هستند. از این‌رو نیازمند یک راهکار مشترک برای غلبه بر تهدیدات و تأمین منافع حیاتی برای مردم و نظام سیاسی در شرایط کنونی هستند.

بخش مهمی از تهدیدات صورت گرفته بر علیه کشورهای اسلامی ناشی از دخالت قدرت‌های بیگانه از جمله ایالات متحده آمریکا است که مخصوصاً پس از تحولات ۱۱ سپتامبر نقش پررنگی در منطقه غرب آسیا ایفا کرده است. این اثرگذاری پس از حمله به عراق با توجیه مقابله با سلاح‌های

کشتار جمعی توسط صدام به اوج رسید و در طی سال‌های ضعف دولت در سوریه و عراق و سربرآوردن داعش، شکل عمیق‌تری به خود گرفت. از این رو تأسیس پایگاه‌های نظامی در عراق، بحرین و قطر و تجهیز و آموزش هزاران نیروی نظامی، مداخله در امور سیاسی و تغییر دولت‌ها و فروش تسلیحات و قراردادهای تجاری و نظامی بحش مهمی از نفوذ آمریکا در منطقه غرب آسیا است. این کشور تلاش نموده تا با توجیهاتی نظیر مبارزه با تروریسم، حمایت از دموکراسی و حقوق بشر و جلوگیری از نقض آن در کشورهای اسلامی، جایگاهی برای خود دست و پا کند؛ اما همواره سیاست‌های ایالات متحده با شکست مواجه بوده، به طوری که ضعف ناشی از سقوط دولت در عراق، سربرآوردن داعش، شکست ائتلاف در یمن، سوریه و سایر کشورهای منطقه تنها بخشی از کارکردهای نامطلوب این کشور در منطقه غرب آسیا است. به هر حال با در نظر داشتن وضعیت کشورهای اسلامی در منطقه غرب آسیا، پرداختن به راهکارهایی که بتواند همسویی کشورهای اسلامی را ایجاد نموده و سیاست‌های آمریکا در منطقه را برملا سازد، امری مهم و ضروری است. در همین راستا پژوهش حاضر تلاش می‌نماید تا بحث سیاست‌گذاری اقتصادی مبتنی بر قواعد شریعت نظیر نفی سبیل در میان جوامع اسلامی در خاورمیانه را در راستای مقابله با سیاست مبارزه با تروریسم آمریکا نشان دهد. بدین معنا که از ظرفیت‌های اقتصادی منطقه برای کاهش مداخله و نقش بیگانگان بهره‌برداری تا در نهایت بتوان راهکارهایی برای همسویی جوامع غرب آسیا ارائه نموده و استقلال آنان را بازیابد. پرسش محوری این است که قاعده نفی سبیل در شرایط کنونی از چه

اسلامی است که بتواند نقشه‌ها و رویکردهای سیاسی قدرت‌های جهانی نظیر آمریکا را در قالب اهداف اقتصادی نشان داده و برای مقابله با آنان یک نقشه راه مبتنی بر قواعد شریعت ارائه نماید.

۲. ملاحظات اخلاقی

در نگارش مقاله حاضر، اصول و قواعد اخلاقی از جمله ارجاع‌دهی، استفاده دقیق و علمی از منابع در دستور کار قرار گرفته است.

۳. مواد و روش‌ها

روش مورد استفاده در پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی و ابزار انجام پژوهش کتابخانه‌ای و مراجعه به متون و منابع اسنادی است.

۴. یافته‌ها

سیاستگذاری اقتصادی کشورهای اسلامی در منطقه غرب آسیا با تکیه بر ظرفیت‌های اقتصادی از جمله دارا بودن انرژی نظیر نفت و گاز و قرار داشتن در موقعیتی استراتژیک با ابتناء بر قاعده نفی سبیل می‌تواند استقلال قابل توجهی برای این کشورها در پی داشته باشد. اما برای تحقق بخشیدن این سیاستگذاری نیازمند دلارزدایی از ساحت اقتصاد به صورت تدریجی، تلاش برای یافتن ارزهای جایگزین، ارتقاء نقش و جایگاه اقتصاد سیاسی کشورهای منطقه برای غلبه بر هژمونی دلار و از بین بردن توجیهات سیاسی و نظامی حضور آمریکا در غرب آسیا به بهانه و توجیهاتی نظیر مبارزه با تروریسم است. هنگامی که پیوند منافع اقتصادی میان کشورهای اسلامی در غرب آسیا به شکل قابل توجهی گسترده شود، هم تصمیم‌گیری آنان برای اثرگذاری در زمینه انرژی در سطح جهان افزایش پیدا می‌کند و هم در نقش بازیگرانی کنشگر در عرصه اقتصادی ظاهر می‌شوند و با تعیین قیمت انرژی توسط کشورها اسلامی،

راهپایی می‌تواند در راستای مقابله با سیاست مبارزه با تروریسم آمریکا به کار گرفته شود؟

در ارتباط با بحث حاضر، مقاله توحیدی‌نژاد (۱۴۰۲) با عنوان «بررسی بُعد اقتصادی قاعده نفی سبیل»، اهمیت استقلال و نفی تسلط دیگری از جمله کافر بر مسلمان را مورد توجه قرار داده است. مقاله «تدابیر ایران و جامعه بین‌المللی علیه تحریم با تأکید بر سیستم بین‌المللی پرداخت سوئیفت و دلارزدایی در پرتو اقتصاد مقاومتی» توسط آل-کجباف و همکاران (۱۴۰۱)، غلبه بر سلطه دلار در معاملات را راهی برای تبدیل تحریم‌ها از تهدید به فرصت دانسته‌اند. کریمی و همکاران (۱۴۰۰)، در مقاله «موقعیت دلار آمریکا و چشم‌انداز چالش آن توسط یورو و وان» استدلال کردند که تقویت ارزهای قدرتمند در آینده می‌تواند ابزاری برای غلبه بر سلطه دلار در معاملات اقتصادی و در نهایت تهدید برتری آمریکا در نظام بین‌الملل باشد. مقاله رایگان و قاسمیان (۱۳۹۳)، با عنوان «نقش قاعده نفی سبیل در توسعه اقتصادی جوامع اسلامی» نیز اهمیت توسعه روابط میان کشورهای اسلامی به دور از وابستگی همه جانبه به قدرت‌های اقتصادی جهانی را مورد توجه قرار داده‌اند. مقاله رنجکش (۱۳۸۹) با عنوان «جهانی شدن اقتصادی؛ امکان یا امتناع گزینه‌های دیگر (اسلام)» بخش مهمی از وابستگی کشورها را ناشی از جهانی شدن اقتصاد می‌داند که برای رهایی از آن نیازمند مدل رشد و توسعه اسلامی هستیم.

تحقیقات یاد شده از جهت پرداختن به بحث قاعده نفی سبیل یاراهکارهای توسعه اقتصادی کشورهای اسلامی و غلبه بر تحریم‌ها تحقیقات درخوری هستند و با برخی محورهای مقاله حاضر همسو می‌باشند؛ اما وجه تمایز پژوهش حاضر، توجه به نوعی از سیاستگذاری اقتصادی میان کشورهای

فرقه‌های اسلامی را شامل می‌شود. ظاهر آیه شریفه گویای آن است که هیچ‌گاه خدای متعال در عالم تشریح حکمی را وضع نکرده که باعث سلطه کافر بر مسلمان گردد. بنابراین، آیه ناظر بر نفی برتری جویی و سلطه در خارج و عالم تکوین نیست، چنان‌که در برخی روایات اشاره‌ای به آن شده است. از این جهت، آیه ناظر بر ادله اولیه‌ای است که احکام واقعی را بیان می‌کنند. برای پی بردن به کاربرد و جعل آن به این مثال می‌توان اشاره نمود که براساس ادله اولیه، پدر و جد پدری بر فرزند ولایت دارند، اما در صورتی که پدر و جد کافر باشند، ولایت آنان بر مبنای دلالت آیه، منتفی است (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ج اول، ۱۸۹-۱۸۸).

پس از آیه شریفه سوره مبارکه، آیه دیگری نیز برای حمایت از نفی سبیل طرح شده است. از جمله در آیه‌ای که می‌فرماید: (وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ) (منافقون/۸)، و عزت از آن خدا و از آن پیامبر او و از آن مؤمنان است؛ براساس این آیه، شرف و عزت اسلام اقتضا می‌کند حکمی جعل نشود که موجب ذلت مسلمان و عزت کافر گردد (همان منبع، ۱۹۲). به تعبیر دیگر، عزت و ذلت دست خداوند است و با توجه به اینکه خداوند مظهر عدالت است، هرگز جانب ظلم و ستم را نگرفته و از این‌رو خواری و ذلت مؤمنان را نمی‌پذیرد.

ترجمان آیات فوق نظیر تمامی قواعد فقهی گویای آن است که در عرصه سیاسی و اجتماعی و اقتصادی نباید شرایط به نحوی باشد که سلطه کافر بر مسلمان را فراهم نماید. به دیگر سخن، بر اساس قاعده نفی سبیل، در تشریح اسلامی حکمی جعل نمی‌شود که بر پایه آن، کافر بتواند بر مسلمان سلطه یابد. بدین ترتیب هر نوع رفتار و عمل اقتصادی و قراردادی که در نهایت باعث تسلط کفار بر جامعه‌ی اسلامی یا فرد کافر بر مسلمان شود، از

عرصه را برای استقلال بیشتر و وابستگی کمتر فراهم می‌آورند. نتیجه چین سیاستگذاری به معنای تحقق قاعده نفی سبیل و عدم مداخله بیگانگان است. از این‌رو باید گفت زنجیره متصل اقتصاد و حکمرانی مستقل در غرب آسیا، قبل از هر چیز می‌تواند عوایدی را نصیب کشورهای منطقه نموده و از دخالت امریکا نیز بکاهد. به نظر می‌رسد که ابتناء بر قاعده نفی سبیل برای بهبود مناسبات و تکیه بر ارزش‌های مشترک می‌تواند راهگشا باشد و بحران‌های منطقه‌ای را با تکیه بر خرد جمعی و منافع مشترک کشورهای منطقه برطرف نماید.

۵. بحث

قاعده نفی سبیل در عرصه سیاستگذاری اقتصادی برای کشورهای اسلامی می‌تواند تبعات و آثار قابل توجهی داشته باشد که اصل عدم سلطه کافر بر مسلمان را محقق سازد. در اینجا به برخی از ابعاد آن پرداخته می‌شود.

۵-۱. قاعده نفی سبیل

قاعده فقهی «نفی سبیل» از جمله قواعد مهم فقی است که در عرصه‌های مختلف اداره زندگی از جمله در عرصه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و عقود و... کاربرد دارد. برای اثبات قاعده نفی سبیل بیش از همه به آیه‌ای از سوره مبارکه نساء استناد می‌شود که فرموده است: (وَلَنْ يُجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا) (نساء/۱۴۱)، و خداوند هرگز بر [زبان] مؤمنان، برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است). در تفسیر این آیه نیز آمده است که کلمه «سبیل» وقتی که همراه «الی» بکار برده شود، به معنای راه، و زمانی که با «علی» همراه شود به معنای سلطه و غلبه می‌باشد. «مؤمن» نیز در اینگونه آیات به معنای مسلمان است و همه

می‌توان به تلاش برای اجماع حول محور آمریکا برای مبارزه جهانی با تروریسم، هموار نمودن افکار عمومی جهانیان با سیاست‌های میلیتاریستی آمریکا، مشروعیت بخشیدن به اقدامات سخت افزاری و نظامی، ترسیم چهره‌ی منجی‌گرایانه از آمریکا و تولید قدرت نرم برای این کشور اشاره نمود (پورقیومی، ۱۳۸۸: ۱۲۶). بدین ترتیب، داعیه مبارزه با تروریسم نیز از جمله مدعاهای ایالات متحده در راستای توجیه مداخلات و اقدامات برون مرزی و برون قاره‌ای دولت‌های این کشور است.

این شیوه از وابستگی کشورهای منطقه به نحوی است که در طی سالهای ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ حجم واردات تسلیحات به کشورهای منطقه خاورمیانه و غرب آسیا افزایش ۲۵ درصدی نسبت به سالهای ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ داشته است. در این میان کشورهای عربستان سعودی، مصر، قطر و امارات در صدر این فهرست قرار دارند که ۵۲ درصد از این تسلیحات از آمریکا وارد می‌شود و ۱۳ درصد توسط روسیه و ۱۲ درصد نیز توسط فرانسه صادر می‌شود و مابقی نیز توسط سایر کشورها نظیر ایتالیا و ... صورت می‌گیرد؛ بنابراین عربستان سعودی بزرگترین وارد کننده تسلیحات در طی سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ بوده است که ۷۹ درصد از آنان را از آمریکا وارد کرده بود که در اصل ۱۱ درصد از کل فروش تسلیحات آمریکا در زمینه فروش سلاح را تشکیل می‌دهد (ویژمن، ۲۰۲۱: ۱۱). مشاهده این وضعیت گواه نقش مهم «اقتصاد مبتنی بر تسلیحات» در ایالات متحده است که به بهانه‌های مختلف از جمله مبارزه با تروریسم در منطقه خاورمیانه به فروش می‌رسد یا اینکه برنامه‌های نظامی برای حفاظت از منافع این کشور یا جلوگیری از تهدید علیه آنان صورت می‌گیرد. بدین ترتیب وجه دیگری از فرایند مبارزه با تروریسم در

نظر شرعی مطلوب نبوده و نفی می‌شود. تعیین دقیق‌تر مفاد قاعده و محدوده آن، در گرو بررسی مستندات آن است (ایروانی، ۱۳۹۱: ۷۳). برای مثال اگر قرارداد ناعادلانه‌ای وضع می‌شود که براساس آن در درازمدت باعث سلطه کافر بر مسلمان یا در هر صورت باعث تضعیف جامعه اسلامی می‌شود، قابل قبول نیست. از این رو می‌توان قواعد اخیر را شاقولی برای ارزیابی و سنجش روابط کشورهای اسلامی با سایر کشورها دانست که به موجب آن نباید زمینه‌ساز ضعف و زبونی مسلمانان فراهم شود. از این رو چارچوب روابط با کشورهای غیرمسلمان باید به نحوی باشد که اهداف اقتصادی پنهان آنان در پشت طرح و برنامه‌های سیاسی روشن شده و برای مقابله با آنان نیز تدابیر لازم اتخاذ گردد.

۵-۲. سیاست مبارزه با تروریسم آمریکا در غرب آسیا

پس از حادثه یازده سپتامبر مبارزه با تروریسم وسیله‌ای برای استراتژی حکمفرمایی بر جهان و بویژه رویارویی مستقیم با برخی دولت‌ها تبدیل شد که به صورت تشکیل پایگاه‌های نظامی و حمایت از گروه‌های ائتلاف بر ضد تروریسم نمود یافته است. جنگ علیه عراق در راستای این استراتژی قرار گرفت. سه مشخصه بیانگر الگوی جدید رفتار بین‌المللی آمریکا بود: اول یک‌جانبه‌گرایی رو به رشد، دوم نقض گسترده قوانین بین‌المللی و سوم نظامی‌سازی سیستماتیک مناقشه‌ها. این سه مورد پیرو تمایل این کشور برای دستیابی به ذخایر مهم نفتی دنیا بود (آمین، ۱۹۹۲: ۱۲۶)؛ بنابراین آمریکا پس از یازده سپتامبر حق هر اقدامی را در جهان در قالب مقابله با تروریسم برای خود محفوظ می‌دانست. کاخ سفید برای اجرایی نمودن نقشه راه خود، اقداماتی را به وجود آورد که از جمله آن‌ها

جز با وابستگی متقابل جهانی و حفظ رهبری آن توسط امریکا قابل دستیابی نیست (کاسبی، ۲۰۰۹: ۹۰). به این دلیل وابستگی متقابل جهانی به معنای ادغام سایر کشورها در تسلط دلار بر اقتصاد جهانی، جلوگیری از شکل‌گیری یک رویه مخالف با سلطه امریکا و همچنین مخفی ماندن در پشت نیت اقتصادی است. از این رو مبارزه با تروریسم و تأمین امنیت منافع خود در نقاط مختلف جهان از جمله در خاورمیانه و غرب آسیا اهمیتی حیاتی پیدا می‌کند.

حمله به عراق با هدف مبارزه با تروریسم و یا جلوگیری از دستیابی به سلاح کشتار جمعی بخشی از این پروژه نوین امریکا در میان کشورهای غرب آسیا است که به بازسازی نقش منطقه‌ای امریکا در منطقه و جهان کمک نموده است (جاهنر، ۲۰۱۲: ۴۳). تداوم حضور امریکا در منطقه نیز با هدف جلوگیری از گسترش افراطی گرای و تروریسم و حمایت از ثبات در این کشورها است. زیرا به زعم آنان، ساختارهای ضعیف و شکننده در منطقه و معضلات ناشی از آن، از جمله دلایل اصلی تروریسم و عدم توسعه حقوق بشر است. بر همین اساس است که رویکرد اصلاحات اقتصادی بازار محور را که از جمله مضامین و عناصر قدرت نرم است در دستور کار داده که بخشی از فرایند توسعه قدرت نرم این کشور در خاورمیانه است (رئیزی زکی و درخشنده، ۱۳۹۴: ۲۲۹). در راستای جامه عمل پوشیدن به این هدف و جلوگیری از خطر رشد افراط‌گرایی خشونت‌آمیز مذهبی و کنشگران غیردولتی در حال افزایش، مبارزه با تروریسم از راه استفاده از عملیات نظامی برای سرکوب آنان، جنبه‌هایی از توازن نظامی را با اهمیت کرده است (کوردسمن، ۲۰۱۶: ۶). به طور مشخص در این زمینه همکاری نظامی ایالات متحده و کشورهای

غرب آسیا ایجاد یک نوع وابستگی نظامی و اقتصادی برای کشورهای است که درگیر موضوع تروریسم هستند. زیرا برنامه بلندمدت ایالات متحده در غرب آسیا، نه ایجاد سازوکاری بلندمدت برای مبارزه با تروریسم، بلکه دامن زدن به نوعی بی‌برنامگی و دنبال کردن منافع آنی و بلندمدت این کشور است. در همین زمینه، کنسرسیوم ملی دانشگاهی برای مطالعه تروریسم و واکنش به تروریسم (START) به تازگی داده‌های روند جدیدی را منتشر کرده است که تا سال ۲۰۱۷ میلادی را شامل می‌شود. این داده‌های ارائه شده با بررسی تاریخچه "جنگ‌های" ایالات متحده علیه تروریسم در کشورهایی مانند افغانستان، عراق و سوریه نتایجی را ارائه کرده است که نشان می‌دهند نتایج "جنگ‌های طولانی" به فرسایشی شدن و نامعلوم بودن نتایج آن منتهی می‌گردد که در نهایت، ایالات متحده مجبور به ترک آن کشور می‌شود (کوردسمن، ۲۰۱۸: ۴). این رویه به طور مشخص درباره عراق که حضور نظامی امریکا در این کشور پررنگ است، قابل مشاهده است.

ایالات متحده امریکا یکی از اهداف اساسی حضور خود در منطقه غرب آسیا چه به صورت مستقیم و نظامی و چه به صورت غیرنظامی را مبارزه با تروریسم و حمایت از حقوق بشر یا توسعه دموکراسی در این کشورها می‌داند. اما هدف اصلی از حضور امریکا در منطقه، مدیریت اوضاع و کنترل عواقب پیش‌بینی نشده تروریستی بر منافع اقتصادی خود است (گاوز، ۲۰۰۵: ۱۵۶). یا اینکه هدف اصلی این کشور از مبارزه با تروریسم، چیزی جز پول و نفت نبوده و تروریسم رابطه مستقیمی با دخالت امریکا دارد (زین، ۲۰۰۵: ۲۱۳). این بدان معناست که امریکا بر دفاع از منافع خود در سطح جهانی به امنیت انسانی نیاز دارد و این هدف نیز

۵-۳. سیاستگذاری اقتصادی با ابتناء بر

قاعده نفی سبیل

بر مبنای قاعده نفی سبیل باید گفت که یکی از مهم‌ترین راهکارهای پیش‌روی کشورهای اسلامی برای از بین بردن توجیه حضور کشورهای بیگانه نظیر آمریکا در منطقه، تقویت توان اقتصادی کشورهای اسلامی، تعاون و همکاری درون منطقه‌ای و کاهش وابستگی در زمینه‌های مختلف سرمایه‌گذاری، فروش انرژی یا مجوز دادن به آمریکا برای تأسیس پایگاههای نظامی در کشورهای منطقه است. در این باره می‌توان به چند اقدام عملی و استراتژیک اشاره نمود:

۵-۳-۱. حذف تدریجی دلار و گرایش

به همکاری مبتنی بر تهاتر

امروزه دلار بیشترین مبادلات جهانی را به خود اختصاص داده است که تقریباً بیش از دو سوم ذخایر بانک‌های مرکزی جهانی و حدود دو سوم تجارت جهانی توسط این واحد پولی صورت می‌گیرد (IMF, 2020). همین ابزار به راحتی عرصه را برای سلطه اقتصادی آمریکا بر دنیا فراهم نموده است. اما در مقابل، رویه منبعث از قاعده فقهی نفی سبیل با مبنا قرار دادن نفی وابستگی درصدد از بین بردن سلطه کافران بر مسلمانان است. بر همین اساس، به نظر می‌رسد یک راه مؤثر برای کشورهای اسلامی آن است که بتوانند به تدریج دلار را از فرایند اقتصادی و تعاملات تجاری با سایر کشورها کنار گذاشته و ارزهای جایگزین را بیشتر مورد توجه قرار دهند. از جمله این ارزها می‌تواند کمک به توسعه نقش آفرینی یوان چین است که هم بتواند باعث تقویت و توسعه بازارها و مؤسسات مالی داخلی کشورها کمک کند (ایچنگین و ژبا، ۲۰۱۹: ۳۲) و هم اینکه بدیلی برای سلطه دلار در عرصه اقتصادی ایجاد کند. در این صورت حتی

غرب آسیا از طریق همکاری‌های نظامی، فروش تسلیحات، ایجاد مراکز یا پایگاههای نظامی و یا آموزش نظامیان شدت بیشتری گرفته است. نتیجه این فرایند متقابل، وابستگی در ابعاد مختلف امنیتی و اقتصادی به این کشور از سوی کشورهای غرب آسیا است.

راباسا و همکاران در کتاب «پیوند شبکه مسلمانان میانه‌رو» معتقدند که ایالات متحده به‌منظور مقابله با خطر تندروهای اسلامی، باید به حمایت مالی و سازماندهی گروه‌های میانه‌رو در جهان اسلام مبادرت ورزد و با دستگیری از آنها، عرصه بازی قدرت و رقابت را به نفع عناصر میانه‌رو و به ضرر عناصر اقتدارگرای سکولار و به ویژه، نیروهای تندروی اسلامی تغییر دهد. تجربه ایالات متحده در طول جنگ سرد و حمایت از نیروهای دموکراتیک در اروپای غربی، نشان می‌دهد واشینگتن قادر به انجام چنین کاری است، شکل‌گیری ائتلاف گسترده از نیروها و سازمان‌های دموکراتیک و متعهد به ارزش‌های لیبرالی در مهار و نابودی کمونیسم در گذشته و در مهار جریان تندروهای اسلامی در حال حاضر، مفید خواهد بود و یکی از عناصر مهم پیروزی در مبارزه با تروریسم بین‌المللی است (راباسا و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۷). مقصود این است که بتوان شبکه‌ای از نیروها و دولت‌های همسو با ایالات متحده در این منطقه ایجاد نمود تا بتوان تهدیدات علیه منافع آمریکا در کوتاه مدت و منافع هم‌پیمانانش در بلندمدت را مورد حمایت قرار دهد. با این اوصاف سیاست مبارزه با تروریسم در کشورهای مختلف منطقه غرب آسیا همچنان توسط آمریکا دنبال شده و بخش مهمی از کوشش نظامی این کشور را شامل می‌شود.

سایر ارزهای جهانی در آینده می‌توانند جایگاهی برای خود پیدا کنند و وارد چرخه تعاملات و مبادلات اقتصادی و تجاری شوند. البته نباید جایگزینی دلار با یوان را به معنای برتری کشورهای اسلامی تلقی نمود، بلکه باید آن را راهی برای شکستن هژمونی دلار و کوشش برای تقویت بازارهای منطقه‌ای در آینده دانست. ضمن اینکه ایران و چین بدلیل تجربه مشابه در زمینه تحریم می‌توانند مسیر دلارزدایی را بیش از پیش فراهم سازند. زیرا سیاست‌های تحریمی امریکا باعث افزایش هزینه‌های استفاده از دلار می‌گردد که باعث تسریع دلارزدایی می‌شود (آل‌کجاف و همکاران، ۱۴۰۱: ۸۵۲). بنابراین پیشقراول شدن در دلارزدایی و شکستن هژمونی آن به معنای دور شدن از استعمار دلاری و همسو با قاعده نفی سبیل در نزد ملل مسلمان و جوامع اسلامی است. ضمن اینکه کشورهای اسلامی می‌توانند با کنار گذاشتن تدریجی دلار، تهاوتر را در دستور کار قرار داده و نسبت به رفع نیازهای یکدیگر همکاری نمایند. شکسته شدن هژمونی دلار در واقع اگر توسط کشورهای اسلامی امری دشوار است و از نظر اقتصادی توان قابل توجهی در این زمینه وجود ندارد، اما از بین بردن یا تهدید مبانی سیاسی هژمونی دلار توسط این کشور امری ممکن است. زیرا هنگامی که قدرت امریکا در میان کشورهای غرب آسیا بسیار گسترده و همه‌جانبه است، انگیزه‌های بازیگران خارجی برای استفاده از این پول را نیز افزایش می‌دهد (چی، ۲۰۱۳: ۸۷). یکی از این راهها آن است که بتوان از طریق توافق برای تعیین قیمت نفت توسط کشورهای اسلامی، امکان مانور امریکا برای نفوذ و انشعاب در میان این کشورها را از بین برد. بدین ترتیب از بین رفتن پشتوانه‌های سیاسی دلار نقش مهمی در ایجاد یک

بلوک اقتصاد سیاسی بر مبنای قاعده نفی سبیل و جلوگیری از وابستگی در میان کشورهای اسلامی خواهد داشت. امری که با تهدید منافع اقتصادی امریکا بر اثر فروش ارزان نفت در غرب آسیا قابل دستیابی است. دلیل این رویه نیز آن است که بازیگران قدرتمند در عرصه اقتصاد سیاسی، نیازمند پولی هستند که پشتیبانی آن در عرصه جهانی مورد قبول واقع شود و این همان معنای پول قدرت هژمون است (راگی، ۱۹۸۲: ۳۹۱). به نظر می‌رسد راه استقلال و نفی وابستگی در میان کشورهای اسلامی آن است که بتوان پیمان‌های امنیتی-سیاسی میان امریکا و کشورهای غرب آسیا را به حداقل رسانید و از این طریق مسیر را برای نفی استعمار دلار در عرصه اقتصادی فراهم نمود و در اندیشه جایگزین‌های ارزی و مالی برای غلبه بر وابستگی بود.

۵-۳-۲. سیاستگذاری اقتصادی درون‌زا و منطقه‌ای

اقدام دیگر برای کشورهای اسلامی آن است که بتوانند توسعه و پیشرفت را به صورت درون‌زا و مستقل در پیش گیرند و از وابستگی نظامی برای مقابله با تهدیدات منطقه‌ای بپرهیزند. زیرا تداوم رویه‌ای که در غرب آسیا توسط کشورهای مختلف اتخاذ شده است، منجر به سرمایه‌گذاری به نفع کشورهای امریکایی شده که باعث سوق داده شدن منافع و منابع به کشورهای سلطه‌گرا و وابستگی و استضعاف به ضرر کشورهای اسلامی می‌شود (ضیاءبخش، ۱۳۸۶: ۴۱). بنابراین سیاستگذاری اقتصادی میان کشورهای اسلامی می‌بایست به نحوی صورت گیرد که بتواند تهدیدات را با بهبود روابط سیاسی و اقتصادی و سرمایه‌گذاری درون منطقه‌ای به پیش برند و «توسعه وابسته» را کنار بگذارند.

کشورهای اسلامی را فراهم خواهد ساخت که با هر توجیهی نظیر تأمین امنیت کشورهای اسلامی، مقابله با تروریسم و افراطی‌گری، نسبت به استقرار نیروهای نظامی، پایگاه نظامی و یا مداخله هرچه بیشتر در امور داخلی کشورها را فراهم می‌سازند. به نظر می‌رسد توافقات اقتصادی میان کشورهای اسلامی باعث تسریع در روند کاهش خشونت‌ها میان طرفین شده و زمینه را برای منع ورود قدرت‌هایی نظیر آمریکا نیز فراهم می‌سازد. به این دلیل که بحران‌های تروریستی به نمایندگی آمریکا نه تنها نتوانسته آنان را حل کند، بلکه پیچیدگی آن را نیز دوچندان کرده است. در یمن نیز ائتلاف آمریکا و بریتانیا به همراهی عربستان نتوانسته نبرد با تروریسم را به موفقیت برساند. همچنان که نیروهای هوایی عربستان با کمک جنگنده‌های بمب افکن تایفون خریداری شده از بریتانیا، نقش مؤثری در حمله به یمن ایفا کرده‌اند (وگنر جنوس، ۲۰۱۷: ۶). علاوه بر این تسلیحات لجستیکی و آموزشی آمریکا نیز نقش چندانی در بحران یمن نداشته و وضعیت این کشور در سال ۲۰۲۳ همچنان پیچیده‌تر از گذشته شده است. بنابراین شکست‌های اخیر گواهی بر ناتوانی و یا عدم اراده کافی از سوی آمریکا برای مبارزه با تروریسم است و تنها منافع اقتصادی ناشی از فروش تسلیحات باعث مداخله این کشور در منطقه شده است. بر این اساس، کشورهای اسلامی باید ضمن تأکید بر نفی وابستگی به آمریکا، به سوی تعامل و همگرایی اقتصادی گام بردارند تا در یک فرایند چندساله مشکلات ایدئولوژیکی و سیاسی را نیز به کمک نخبگان سیاسی و مذهبی حل نمایند.

۵-۳-۳. سرمایه‌گذاری درون منطقه‌ای

وجه مهم قاعده نفی سبیل از منظر سیاستگذاری اقتصادی کشورهای اسلامی، ترغیب سرمایه‌گذاری

جهت سیاستگذاری مستقل اقتصادی میان کشورهای اسلامی، راه‌اندازی، تداوم و تقویت نظام بانکداری اسلامی و سپس طراحی بازار سرمایه اسلامی اقدام مهمی است که باید مدنظر قرار گیرد (فاضلی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۹۰). بر این اساس، سیاست‌گذاری اقتصادی کشورهای اسلامی می‌بایست مبتنی بر نفی ذلت و سلطه بیگانگان دنبال تا بتوان دخالت کشورهای نظیر آمریکا برای مبارزه با تروریسم را از بین برد. قاعده نفی سبیل این سیاستگذاری را به نحوی معرفی می‌کند که هم بتواند سلطه کافر بر مسلمان را از بین ببرد و هم اینکه راه‌های سلطه کفار بر مؤمنین را ببندد (بجنوردی، ۱۴۱۹: ۱۸۸). بنابراین توجیهات مختلفی که ابرقدرت‌هایی نظیر آمریکا برای مبارزه با افراطی‌گری، حمایت از حقوق بشر و دموکراسی صورت می‌گیرد، نه تنها نتایجی برای جوامع اسلامی در پی نداشته است، بلکه باعث عمیق‌تر شدن نفرت و خشونت میان مسلمانان خواهد شد. نتایج چنین وضعیتی در عراق و افغانستان و سایر کشورهای اسلامی قابل مشاهده است.

این شیوه از سیاستگذاری تنها باعث وابستگی هرچه بیشتر به آمریکا و به زیر سلطه رفتن در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی می‌گردد. به عبارت دیگر، وابستگی امری سلسله‌وار است که وابستگی اقتصادی باعث وابستگی سیاسی و نظامی می‌شود. به تعبیر امام خمینی (ره) که می‌فرماید: «اگر ما یک وابستگی اقتصادی داشته باشیم این باعث می‌گردد که وابستگی سیاسی هم پیدا کنیم، وابستگی نظامی هم پیدا کنیم. مملکتان بازمی‌گردد به آن حالتی که سابق بود» (موسوی خمینی، ۱۳۵۸، ج ۱۲: ۴۱). بنابراین روشن است که نادیده گرفتن سیاستگذاری اقتصادی مبتنی بر قاعده فقهی نفی سبیل، موجبات سلطه بیگانه بر

قاعده نفی سبیل، اسرائیل است که مسلمانان را از خانه و کاشانه بیرون کرده و آشکارا به جنایت و قتل غیرنظامیان مبادرت می‌ورزد. برای رفع این وابستگی نیازمند توسعه روابط میان کشورهای اسلامی و استفاده از ظرفیت‌های نهادهایی نظیر شورای همکاری و تعامل با کشورهای نظیر ایران و عراق در عرصه انرژی هستیم تا بتوان منافع اقتصادی طرفین را به هم پیوند داد و از ظرفیت‌های موجود به خوبی بهره برد. همچنان که این شورا، در نظر دارد تا با ایجاد سیاست‌های اقتصادی واحد، امکان مانور اقتصادی اعضا را بالا ببرد. آنان با در اختیار داشتن منابع عظیم نفتی و گازی توانایی جذب سرمایه‌گذاری‌های گوناگونی در حوزه‌های مختلف را دارا هستند. حتی در این میان، یک گذرگاه بزرگ، دو کشور بحرین و قطر را به این راه‌آهن سراسر وصل می‌کند (لاوسن، ۲۰۰۹: ۳۱). تکیه بر منافع اقتصادی مشترک و تعلق به دین اسلام می‌تواند موانع موجود بر سر راه تعامل طرفین را بردارد. به طور مثال، تنها در برخی مواقع مواضع مشترکی میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس دیده می‌شود؛ مثلاً دیدگاه‌های مشترک ایران و عربستان سعودی درباره قیمت نفت که معمولاً رخ می‌دهد (الطریفی، ۲۰۱۲: ۱۵۳). این رویکرد در برهه‌هایی از زمان مخصوصاً با پایان جنگ میان عراق و ایران باعث کم شدن تنش‌ها شده بود و حتی سفر وزیر کشور عربستان به تهران در فروردین ماه ۱۳۸۰، سرفصل جدیدی از روابط میان دو کشور ایران و عربستان گشود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۴۶۱). همچنان که در طی سالهای ۲۰۲۳ تا ۲۰۲۲ نیز بازگشایی سفارت‌ها در ایران و عربستان بخش مهمی از مشکلات موجود میان تعامل طرفین را حل نموده و سرفصلی برای همکاری ایجاد کرده

میان کشورهای مسلمان و استفاده از ظرفیت‌های منابع خدادادی در میان کشورهای غرب آسیا و دوری از اعطای امتیازات و یا سرمایه‌گذاری در کشورهای نظیر امریکا است. در همین زمینه باید گفت که عربستان سعودی قراردادهای تجاری و سرمایه‌گذاری دوجانبه با بیش از ۲۰ کشور امضا کرده است که در رأس آنان توافق ایالات متحده و عربستان سعودی در سال ۲۰۰۳ در چارچوب توافقنامه چارچوب تجارت و سرمایه‌گذاری تیفا است که طرفین آن را امضا کردند و براساس توافق دوجانبه در مورد سرمایه‌گذاری خصوصی تضمین شده با ایالات متحده است که از فوریه ۱۹۷۵ ایجاد شده است. ایالات متحده و عربستان سعودی آخرین بار تیفا را در ماه مه ۲۰۱۸ در واشنگتن دی سی برگزار کردند (دپارتمان امریکا، ۲۰۲۰: ۳). بنابراین با پذیرش تسلسل سیطره اقتصادی و نظامی باید گفت که توافقات اقتصادی و تجاری در نهایت باعث وابستگی کشورهای اسلامی به ابرقدرت‌هایی نظیر ایالات متحده شده و نتیجه آن چیزی جز مداخله در امور داخلی کشورهای منطقه با هدف مبارزه با تروریسم یا مقابله با افراطی‌گری نخواهد بود.

در همین زمینه آیت‌الله خامنه‌ای بر این باور است که: «سرمایه‌گذاری در بانک‌های بیگانگان که سبب افزایش قدرت اقتصادی و سیاسی آنان بر ضد اسلام و مسلمین شود، جایز نیست» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴۲۴: ۴۷۰). مشابه همین توصیه نیز به قطع روابط کشورهای اسلامی یا محدود کردن روابط اقتصادی، سیاسی و تجاری با اسرائیل است که امروزه به عنوان متحد استراتژیک ایالات متحده در منطقه حضور داشته و از هیچ جنایتی علیه مسلمانان از جمله در غزه فروگذاری نکرده است. بنابراین مصداق قطع روابط با چنین کشوری بر مبنای

فقهی نفی سبیل خواهان منع روابط با کشورهای دیگر برای پیشبرد امور داخلی و خارجی نیست، اما بر این نکته تأکید دارد که هنگامی که مصالح عمومی جامعه اسلامی مطرح است، می‌بایست نسبت به شناخت مصالح عمومی و تقدم دادن آن بر منافع شخصی اقدام نمود. مخصوصاً زمانی که یک موضوع به جامعه اسلامی و عموم مسلمانان مرتبط است؛ زمانی که مسائل فردی است، مرجع تشخیص مصلحت، شخص مکلف است، اما هنگامی که مسأله، کلی و عمومی است، مرجع تشخیص مصلحت، حاکم جامعه اسلامی با بهره‌مندی از نظر کاشناسی (عرف خاص) است (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۱: ۱۹۲). این بدان معناست که موضوع تروریسم، نه از طریق دعوت از حضور کشورهای بیگانه نظیر آمریکا که در گسترش خشونت از منظر فروش تسلیحات دینفع هستند، بلکه نیازمند دعوت از نخبگان مذهبی و سیاسی کشورهای اسلامی برای رفع و حل مشکلات و جلوگیری از وابستگی به کشورهای بیگانه هستیم. در این صورت باید گفت که قاعده نفی سبیل، سیاستگذاری اقتصادی را مبتنی بر همکاری و تعاون میان رهبران کشورهای اسلامی با ملاحظات عمومی جامعه اسلامی توصیه می‌کند.

۶. نتیجه

ایده مقاله حاضر این است که مداخله و نفوذ قدرت‌های جهانی نظیر آمریکا در منطقه خاورمیانه و غرب آسیا اغلب دلایل و ریشه اقتصادی دارند. بدین معنا که هدف اصلی، مسلط شدن دلار بر فرایند مالی جهانی، جلوگیری از گسترش ارزشهای جایگزین و تعامل اقتصادی با سایر کشورها بر مبنای ایده وابستگی متقابل است. بر این اساس، مقابله با روند دلارزدایی و جلوگیری از استقلال نسبی اقتصادی کشورها، مخصوصاً در کشورهای

است. علاوه بر برنامه‌های عمرانی و اقتصادی میان اعضای شورا، هر کدام از آنان نیز سعی می‌کنند با توسعه مراودات منطقه‌ای و بین‌المللی زمینه‌های همگرایی میان اعضا را گسترش دهند. به نظر می‌رسد هرچند ایران و عراق عضو این شورا نیستند، اما همکاری در زمینه اقتصادی از جمله نفت و گاز و تعامل برای تعیین قیمت انرژی در سطح جهان نه تنها می‌تواند وابستگی به کشورهای نظیر آمریکا را از بین ببرد، بلکه زمینه را برای تصمیم‌گیری مستقل کشورهای منطقه خاورمیانه بیش از پیش فراهم سازد. این رویه منطبق و مصادقی از قاعده نفی سبیل است که می‌تواند ابتدا مداخلات اقتصادی و سپس مداخلات سیاسی و امنیتی آمریکا را در منطقه با توجیهاتی نظیر مبارزه با تروریسم از بین ببرد.

سیاستگذاری اقتصادی مبتنی بر عدم وابستگی از جمله دغدغه‌های مهمی بود که مورد توجه امام خمینی (ره) قرار گرفته که ایشان سران کشورهای اسلامی را به همکاری با یکدیگر و پرهیز از گرایش به سردمداران نظام سلطه دعوت کرده بود. ایشان در این باره فرمودند: «بر تجار و بازرگانان مسلمان به وجوب کفایی، واجب است که از رخنه‌کردن بیگانگان داخلی و خارجی در امور تجارت و صنایع و مؤسسات بازرگانی، با همکاری و مشورت یکدیگر و تأسیس شرکت‌های مشابه، جلوگیری نمایند و نگذارند فرقی ضالّه و بیگانه، زمامدار امور اقتصادی مسلمین شوند و به هر وسیله‌ای ممکن است، ایادی آنها را قطع نمایند (امام خمینی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۸۷۴). در این فقره، به خوبی زمینه‌های سلطه بر مسلمانان از راه منافع اقتصادی مطرح شده که در نهایت می‌تواند به ایجاد پایگاه‌های نظامی و بدست گرفتن امنیت منطقه توسط کشورهای ابرقدرت نظیر آمریکا ختم شود. هرچند که قاعده

و تعاملات مالی کشورهای اسلامی؛ تمایل به استفاده از ارزهای جایگزین و تبدیل تهدیدات ناشی از تحریم بر علیه کشورهای نظیر ایران به فرصتی که بتواند دلار را در معاملات سایر کشورها نیز به حداقل برساند؛ و در نهایت، انجام اقداماتی نظیر سرمایه‌گذاری مشترک مبتنی بر نفی وابستگی میان کشورهای اسلامی به آمریکا و همچنین سیاستگذاری دورن منطقه‌ای می‌باشد. این شیوه از سیاستگذاری اقتصادی می‌تواند نقش مهمی در از بین بردن مداخله بیگانگان از طریق ایجاد منافع اقتصادی میان کشورهای غرب آسیا ایفا نماید. از این‌رو اقتصاد سیاسی کشورهای غرب آسیا می‌تواند وابستگی نظامی، اقتصادی، تصمیم‌گیری‌های وابسته را به عنوان ابزاری برای مقابله با استعمار دلار به کار گیرد و به سازوکارهای بدیل برای سامان بخشیدن به وضعیت اقتصادی و سیاسی کشورهای منطقه بیندیشد. در نهایت باید گفت که قاعده نفی سبیل با ایجاد یک زنجیره متعامل میان وابستگی اقتصادی و سپس وابستگی امنیتی و سیاسی، کشورهای اسلامی را به ایجاد منافع مشترک توصیه نموده و با توجه به منابع عظیم و جایگاه استراتژیکی منطقه، به دنبال ارائه رویکردی است که بتوان توجیهات آمریکا برای مبارزه با تروریسم، حمایت از دموکراسی و حقوق بشر را برملا ساخته و به صورت تدریجی نسبت به حل بحران‌های سیاسی منطقه نیز اقدامات عملی انجام شود.

۷. سهم نویسندگان

نویسندگان مقاله به صورت برابر و مشترک مقاله را به رشته تحریر درآورده‌اند.

۸. تضاد منافع

در این مقاله تضاد منافی وجود ندارد.

غرب آسیا که دارای نفت و منابع طبیعی هستند و می‌توانند بخش مهمی از تعاملات اقتصادی مبتنی بر دلار را به چالش بکشند، توسط آمریکا دنبال می‌شود. از این‌رو ایالات متحده تلاش دارد تا در ابعاد مختلف نظامی، فروش تسلیحات، وابستگی متقابل میان کشورها از طریق اعطای تسهیلات سرمایه‌گذاری و خرید نفت از آنان، هژمونی دلار را بر فرایند اقتصاد جهانی تثبیت کرده و تداوم ببخشد. این رویه در تقابل با آموزه نفی سبیل در شریعت اسلام است و منجر به وابستگی هرچه بیشتر کشورهای اسلامی به اقتصاد جهانی و مخصوصاً ایالات متحده آمریکا شده و حتی باعث دامن زدن به اختلافات میان کشورهای اسلامی حاضر در غرب آسیا نیز شده است. اما ایالات متحده آمریکا از این روند وابستگی، منافع اقتصادی قابل توجهی کسب کرده است؛ بدین معنا که سیاست مبارزه با تروریسم آمریکا در منطقه خاورمیانه نیز نشأت گرفته از همین همکاری‌های گسترده است که متقابلاً به شکل همکاری‌های گسترده تجاری و مالی از سوی کشورهای عربی در خاورمیانه و غرب آسیا دنبال شده است.

اما در عمل و بر مبنای بررسی حاضر نشان داده شد که مبارزه با تروریسم تنها ابزاری برای کسب منافع اقتصادی در این منطقه بوده و در یمن، عراق، سوریه و لبنان و سایر کشورهای عربی، نه تنها سیاست مبارزه با تروریسم آمریکا نتوانسته بر بحران‌های موجود غلبه کند، بلکه زمینه را برای خشونت هرچه بیشتر و گسترش افراطی‌گری فراهم نموده است. نقش مهمی که قاعده نفی سبیل دارد، ایجاد نوعی سیاستگذاری برای کاهش وابستگی متقابل جهانی میان کشورهای غرب آسیا که اغلب مسلمان هستند؛ همچنین ایجاد نوعی رویه همکاری‌جویانه برای دلارزدایی از فرایند اقتصادی

منابع

- قرآن کریم.
- آل کجیاف، حسین، کریمی مهابادی، حسن، بابایی، مجتبی، تدابیر ایران و جامعه بین‌المللی علیه تحریم با تأکید بر سیستم بین‌المللی پرداخت سوئیفت و دلارزدایی در پرتو اقتصاد مقاومتی، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، دوره ۱۰، شماره ۴، ۱۴۰۱.
- آمین، سمیر، «ویروس لیبرال: جنگ دائمی و آمریکایی کردن جهان»، ترجمه ناصر زرافشان، چاپ اول، تهران: نشر آزاد مهر، ۱۳۸۶.
- ایروانی، جواد، آشنایی با اقتصاد اسلامی، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۹۱.
- پورقیومی، ایوب، «سیاست جدید آمریکا در خاورمیانه»، مجله سیاست دفاعی، سال هفدهم، شماره ۶۸، ۱۳۸۸.
- خامنه‌ای، سید علی، اجوبه الاستفتاءات، قم: دفتر معظم له، ۱۴۲۴ق.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال، تحول در نظریه های منطقه‌گرایی، مطالعات اوراسیای مرکزی، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی (ویژه همایش مطالعات منطقه‌ای)، سال دوم، شماره ۵، زمستان ۱۳۸۸.
- راباسا، آنجل، شوارتز، لاول اچ، سیکل، پیتر، بدارد، چریل، استراتژی آمریکا: توسعه شبکه‌های سکولار لیبرال در جوامع اسلامی، چاپ اول، تهران: مؤسسه اندیشه‌سازان نور، ۱۳۸۹.
- رئیسی زکی، لیلا، درخشنده، مریم، نقش و جایگاه حقوق بشر به عنوان قدرت نرم در سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال هشتم، شماره ۳۲، ۱۳۹۴.
- زین، هاوارد، تروریسم و جنگ، ترجمه سعید ساری، بی‌جا، ۲۰۰۵.
- ضیاءبخش، علی، قاعده نفی سلطه، مجله معرفت، شماره ۱۱۵، ۱۳۸۶.
- فاضلی، حامد، نجف پور، آرش، پوراسمعیل، محمد، تأمین مالی اسلامی بر بازار کشورهای منتخب خاورمیانه، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال هجدهم، شماره ۷۰، ۱۳۹۷.
- موسوی بجنوردی، سید حسن، القواعد الفقهیه، قم، نشر الهادی، ۱۴۱۹ق.
- موسوی بجنوردی، سید محمد حسین، القواعد الفقیه، جلد اول، تهران: انتشارات الهادی، ۱۴۱۹ق.
- موسوی خمینی، روح‌الله، توضیح المسائل (محشی)، قم، دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به حوزه مدرسین عملیه قم، ۱۴۲۴ق.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله، صحیفه امام، جلد دوازدهم، تهران، انتشارات موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۵۸.

- Back Door”. Quarterly Journal of Finance, 9 (3): 2019.
- Gause, Gregor, Saudi Arabia and The War on Terroris, Undersndanding War on Terror, Council on Foreign Relations Press. 2005.
- Jahner, Ariel, Saudi Arabia and Iran: The Straggle for Power and Influence in the Gulf, International Affairs Review, Volume xx, Number 3. Spring 2012
- Lawson, Fred, “International Relations of the Gulf”, Center for International and Regional Studies, Georgetown University School of Foreign Service in Qatar, Summary Report No. 1. 2009.
- Ruggie, J, International Regimes, Transactions, and Change: Embedded Liberalism in the Postwar Economic Order. International Organization, 379–416. 1982.
- Vagneur-Jones, Antony, Global Britain in The Gulf: Brexit and relation With the GCC, Fondation pourla Recherche Strategique. 2017.
- wezeman, pieter d, alexandra kuimova and siemon t. wezeman, TRENDS IN INTERNATIONAL ARMS TRANSFERS, 2020, SIPRI Fact Sheet. 2021.
- منابع لاتين:**
- ALTORFI, ADEL , Understanding the role of state identity in forign policy decision-making, the rise and demise of Soudi- Iranian Rapprochement (1997-2009), The London School of Economics and Political Science, 2012.
- CHEY, H, Can the Renminbi Rise as a Global Currency? The Political Economy of Currency Internationalization. Asian Survey, 2013.
- Cordesman, Anthony, Saudi Arabia and the United States: Common Interests and Continuing Sources of Tension, Center for Strategic & International Studies. <https://www.csis.org>. 2016.
- Cordesman, Antony, Terrorism: U.S. Strategy and the Trends in Its “Wars” on Terrorism, Center for Strategic and International Studies 1616 Rhode Island Avenue NW Washington, DC. 2018.
- Cosby, Stephen, Human Scurity Concept; The Root of U,S National Security and Forign Policy, United State Marince CIOPS Command and Staa College, Marine Corps Combat Development Command, Quantic, Virginia, 2009.
- Eichengreen, B. & Xia, G. “China and the SDR: Financial Liberalization.through the

سایتهای

- U.S Department, 2020
Investment Climate Statements:
Saudi Arabia, Saudi Arabia -
United States Department of
State. 2020





پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز
پرتال جامع علوم انساني